

وقف دعا باشید

رومیان ۱۲:۱۲

در امید، مسرور و در مصیبت صابر و در دعا مواظب باشید.

هدف من از پیغام امروز، که هدفی ساده اما از نظر انسانی محال می‌باشد، این است که همه شما وقف دعا باشید. هدف من این است، چرا که کتاب مقدس ما را به این مهم فرا می‌خواند. رومیان ۱۲:۱۲، یعنی آیه‌ای که امروز قصد بررسی آن را دارم، حلقه‌ای از زنجیر طولانی فرامین و نصیحت‌های ذکر شده در فصل ۱۲ از رساله رومیان می‌باشد. این آیه می‌فرماید که ما باید «در امید، مسرور و در مصیبت صابر و در دعا مواظب» باشیم.

عبارت «در دعا مواظب باشید» در برخی نسخه‌ها «ثابت قدم در دعا» یا «امین در دعا» ترجمه شده است که همه این عبارتها به نوعی جنبه‌ای از معنای «وقف شدن» را انتقال می‌دهند. «وقف شدن» ترجمه مناسبی است و همان واژه‌ای می‌باشد که در زبان یونانی در انجیل مرقس ۹:۳ به کار رفته است و می‌فرماید: «[عیسی] به شاگردان خود فرمود تا زورقی به سبب جمعیت به جهت او نگاه دارند تا بر وی ازدحام نمایند.» آن قایق کنار گذاشته شد، یعنی وقف گردید تا عیسی را از هجوم جمعیت دور نگاه دارد. «وقف گردید» یعنی برای انجام کاری اختصاص یافت و برای انجام آن تعیین گشت.

قایقها به منظوری اختصاص می‌یابند و خودشان کاری انجام نمی‌دهند. حال آنکه، اختصاص یافتن انسانها به این شکل نیست. مفهوم وقف شدن و اختصاص یافتن در مورد انسانها فقط به معنای تعیین گشتن و گماشته شدن نیست، بلکه منظور این است که آن شخص می‌بایست به کاری که برایش مقرر شده است مشغول باشد و در آن پیش رود. برای نمونه، وقتی پولس در رومیان ۶:۱۳ درباره نقش دولتها صحبت می‌کند و می‌گوید «زیرا که به این سبب باج نیز می‌دهید، چون که [دولتها] خدام خدا و مواظب در همین امر هستند» یعنی اینکه خدا نه فقط دولتها را برای انجام کاری تعیین می‌نماید، بلکه دولتها نیز خود را به آن کار می‌سپارند.

نکته قابل توجه در مورد واژه «وقف شدن» آن است که از ده مرتبه‌ای که این واژه در عهد جدید استفاده شده است پنج مرتبه آن در مورد دعا به کار رفته است. آیات دیگری که در کنار رومیان ۱۲:۱۲ به این واژه اشاره می‌کنند عبارتند از:

- اعمال رسولان ۱۴:۱ (پس از صعود عیسی، همان زمان که شاگردان در اورشلیم به انتظار نزول روح القدس بودند): «جمیع اینها با زنان و مریم، مادر عیسی، و برادران او، یکدل، در عبادت و دعا مواظب می‌بودند.»
- اعمال رسولان ۴۲:۲ (نخستین ایمانداران در اورشلیم): «در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند.»
- اعمال رسولان ۴:۶ (رسولان می‌گویند): «اما ما خود را به عبادت و خدمت کلام خواهیم سپرد.»
- کولسیان ۲:۴ (پولس خطاب به همه ما می‌گوید): «در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید.»

پس با توجه به آیات کتاب مقدس می‌توانیم بگوییم که روال طبیعی زندگی مسیحی این است که وقف دعا باشد. شما نیز باید از خود بپرسید: «آیا من وقف دعا هستم؟»

اما وقف دعا بودن بدین معنا نیست که جز دعا کار دیگری انجام ندهید، همان‌طور که سرسپرده و وقف همسر بودن بدین معنا نیست که به جز همسرداری به هیچ کار دیگری نپردازید، بلکه سرسپردگی هر شخص به همسرش بر همه ابعاد زندگی او اثر می‌گذارد و سبب می‌شود خود را به شکل‌های مختلف وقف همسرش سازد. بنابراین، وقف دعا بودن به این معنا نیست که جز دعا به هیچ کار دیگری مشغول نباشید (هرچند که پولس در جای دیگر می‌گوید: «همیشه دعا کنید» اول تسالونیکیان ۵:۱۷). این بدان معنا است که برای دعا کردن قاعده‌ای وجود دارد که به نظر می‌رسد همانا وقف دعا بودن باشد. اگرچه همه به یکسان وقف نخواهند بود، ولی بسیار مهم و حیاتی است که همه خود را وقف نمایند. فرق است میان وقف بودن و وقف نبودن و خدا بر این تفاوت واقف است و ما را جوابگو می‌داند که آیا وقف دعا بوده‌ایم؟ آیا در زندگی شما قاعده‌ای برای دعا کردن وجود دارد که به طور مشخص بتوان آن را «وقف دعا بودن» نامید؟

به گمانم، اغلب ما در این موضوع تفاهم داریم که شکل‌هایی از دعا کردن وجود دارند که نمی‌توان آنها را «وقف دعا بودن» نامید. دعا کردن فقط به هنگام بحرانا و دشواریهای زندگی «وقف دعا بودن» به حساب نمی‌آید. دعا به هنگام صرف غذا یک قاعده است، اما آیا با نصیحت پولس به کلیسا که «در دعا مواظب باشید» همخوانی دارد؟ و چه بسا که دعای کوتاه و مختصر پیش از خواب نیز «وقف دعا بودن» به حساب نمی‌آید. «وقف دعا بودن» این نیست که یک خط در میان دعا کنیم. «وقف دعا بودن» این نیست که وقتی به دنبال جای پارک برای ماشینتان می‌گردید دعا کنید و از خدا کمک بخواهید. البته همه این دعاها خوب است، ولی تصور می‌کنم همه ما موافقیم که وقتی پولس می‌گوید: «در دعا مواظب باشید» چیز بیشتر و متفاوت‌تری را از پیروان مسیح انتظار دارد.

با توجه به همه این گفته‌ها، نباید فراموش کنیم که صلیب مسیح، یعنی مرگ او به جای گناهکاران، شالوده و زیربنای همه دعاها است. اگر مسیح به جای ما جان ن داده بود، هیچ پاسخ قابل قبولی وجود نمی‌داشت که چرا و چگونه دعا کنیم. به همین دلیل است که «در نام عیسی» دعا می‌کنیم.

وقتی موانع موجود بر سر راه دعا کردن را سبک و سنگین می‌کردم تا ببینم به کدام یک از آنها باید اشاره کنم، متوجه شدم که می‌توان برخی از موانع را زیرمجموعه این پرسش قرار داد که «چرا دعا کنیم؟» و برخی را زیرمجموعه این پرسش که «چگونه دعا کنیم؟». اکنون، می‌خواهم به «چگونه دعا کردن» پردازم. نه اینکه پرسش دیگر مهم نباشد، ولی به نظرم می‌رسد می‌توانیم همه دلایل الهیاتی که نشان می‌دهند چرا باید دعا کنیم را ارائه دهیم و باز هم نسبت به دعا کردن سهل‌انگار و بی‌توجه باشیم. پس به این پرسش که چرا دعا کنیم پاسخی مختصر می‌دهم، سپس به این پرسش عملی می‌پردازم که چگونه دعا کنیم. دعایم این است که این بررسی شما را برانگیزد تا جرأت به خرج دهید و به مرحله تازه‌ای از «وقف دعا بودن» برسید.

چرا دعا کنیم؟

مطلبم را با سه پاسخ مختصر به این پرسش آغاز می‌کنم که چرا باید وقف دعا باشیم؟

۱. کتاب مقدس به ما می‌فرماید دعا کنیم و ما می‌بایست آنچه خدا می‌فرماید انجام دهیم. نه فقط آیه نامبرده بلکه آیات بسیاری وجود دارند که می‌فرمایند: «وقف دعا باشید.» اگر وقف دعا نباشیم، از کلام خدا ناطاعتی می‌کنیم، که این حماقت است و کاری خطرناک. اگر دعا کردن برایتان دشوار است، بدانید که طبیعتاً مثل بقیه ما سقوط کرده و گناهکار هستید. پس بجنگید. به خودتان موعظه کنید. نگذارید که گناهانتان و ضعف‌هایتان و امیال دنیوی بر شما چیره شوند. خدا می‌فرماید: «وقف دعا باشید.» پس برای این مهم بجنگید.

۲. نیازهای زندگی شما، خانواده شما، کلیسای شما، کلیساهای دیگر، خدمات بشارتی، و به طور کلی نیازهای فرهنگ ما عظیم و شدیدند و در بسیاری موارد بحث بهشت و جهنم، ایمان و بی‌ایمانی، و مرگ و زندگی در میان است. آیا رومیان ۹:۲ و حزن و اندوه پولس برای خویشانش که در مسیر هلاکت بودند را به یاد می‌آورید؟ و به یاد می‌آورید که در رومیان ۱۰:۱ با چه جدیتی برای آنها دعا می‌کند؟ «ای

برادران، خوشی دل من و دعای من نزد خدا، به جهت اسراییل، برای نجات ایشان است.» وقتی دعا می‌کنیم، بحث نجات ابدی در میان است. اگر بر این واقف نباشید که زندگی میدان جنگ است، نمی‌توانید دریابید که چرا باید دعا کنید. یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه دعا این است که زندگی روزمره برای بسیاری از ما روان و بدون هیچ مشکلی پیش می‌رود. خط مُقدم جبهه جای دیگری است، اما اینجا در حبابِ کوچکِ آرامش و رضایتی که از آن برخورداریم همه‌چیز آرام است. آه، باشد که خدا چشمانمان را بگشاید تا نیازهای پیرامون خود و نیاز عظیم به دعا را ببینیم و احساس نماییم.

۳. سومین دلیل برای دعا کردن این است که وقتی دعا می‌کنیم خدا عمل می‌کند و کاری را که شاید ما در پنج سال انجام دهیم او در پنج ثانیه به انجام می‌رساند. آه، سالها است که من به این حقیقت پی برده‌ام! چه شگفت‌انگیز است که وقتی در حال آماده کردن موعظه هستم یا در خصوص موقعیتی بحرانی مشاوره می‌دهم یا در جلسه برنامه‌ریزی برای آینده حضور دارم یا حتی در حال گوش سپردن به شهادت ایمان دیگران، بارها و بارها، سر فرود آورم و از خدا تمنا کنم و ناگهان به راه‌حل یا کشفی برسم که بدون دعا ممکن نمی‌بود. چه درس مهمی آموخته‌ام و آن درس این است که وقتی به سبب کوهی از کار، که نمی‌دانستم چگونه انجامشان دهم، بی‌تاب و بی‌قرار می‌شدم که بی‌درنگ به انجامشان رسانم، آن‌گاه، خود را مجبور می‌کردم که منطقی و بر مبنای کتاب مقدس پیش روم. پس قبل از شروع کار، زانو می‌زدم، دعا می‌کردم و به هنگام دعا راه‌حل‌ها به ذهنم می‌آمد که چگونه به مشکلات رسیدگی کنم، چگونه پیغامم را شکل دهم، چگونه با بحرانی برخورد کنم یا چگونه مشکلی الهیاتی را حل کنم. همین باعث می‌شد در ساعتها کار صرفه‌جویی نمایم و از کلافه شدن و سر بر دیوار کوبیدن نجات یابم و در پنج ثانیه به توضیح برسم! منظورم این نیست که خدا ما را از سخت‌کوشی معاف می‌کند، بلکه منظورم این است که دعا می‌تواند پنج هزار مرتبه بازده کار شما را مفیدتر از زمانی سازد که خودتان به تنهایی انجامش می‌دهید.

گفتمنی بسیار است، اما آن سه پاسخ به این پرسش که چرا باید دعا کنیم، از این قرارند: (۱) این حکم خدا است که دعا کنیم؛ (۲) نیازها عظیمند و ابدیت در میان است؛ (۳) وقتی دعا می‌کنیم، خدا عمل می‌کند و اغلب کاری را که برای ما ساعتها یا هفته‌ها یا گاه سالها به طول می‌انجامد در چند ثانیه به انجام می‌رساند.

پرسشهای فراوانی درباره دعا وجود دارند که در اینجا نمی‌توانم به آنها بپردازم. به همین دلیل است که بخشهایی از کتاب «امتها شادی کنند» به موضوع دعا اختصاص یافته است.

چگونه دعا کنیم؟

اکنون، می‌خواهم در این باره صحبت کنم که چگونه دعا کنیم؟ قصدم این است که شما را با مواردی عملی و بر مبنای کتاب مقدس آشنا سازم که شاید هیچ‌گاه به آنها توجه نکرده‌اید و شاید هم سعی کرده‌اید که انجامشان دهید ولی نتوانسته‌اید در آنها ثابت‌قدم بمانید و به عبارتی نتوانسته‌اید «وقف دعا باشید».

تلاش من این است که به طور کلی توضیح دهم که «وقف دعا بودن» به چه معنا است، ولی نه اینکه آن را به روش خودم محدود کنم و بگویم این ختم کلام است. ما همه کاملاً با یکدیگر متفاوتیم. برنامه کار و زندگی‌مان متفاوت است. خانواده‌هایمان متفاوتند. شرایط زندگی‌مان و مطالبات روزمره مربوط به آن متفاوتند. همه ما به یک اندازه، از نظر روحانی بالغ نیستیم و هیچ‌کس نیز یک‌شبه به بلوغ نمی‌رسد. آنچه در پنج سال آینده در راستای وقف دعا شدن انجام می‌دهید باعث می‌شود به گذشته بنگرید و حیران بمانید که چطور نتوانسته‌اید در آن سالهای بدون ثمر دوام آورید. ولی همه ما می‌توانیم پیش رویم. پولس دوست داشت به کلیسایهایش نامه بنویسد و بگوید: «شما پیشرفت کرده‌اید، ولی بیشتر و بیشتر پیشرفت کنید» (فیلیپیان ۹:۱؛ اول تسالونیکیان ۴:۱، ۱۰). اگر جایی وجود داشته باشد که بتوانیم در آن «بیشتر و بیشتر پیشرفت کنیم» همانا وقف شدنمان به دعا است.

به این منظور، پنج شیوه عملی برای دعا کردن را پیش‌رویتان قرار می‌دهم:

۱. با ساختار و بدون ساختار

در اینجا، می‌خواهم در خصوص تفاوت میان دعای با ساختار و دعای بدون ساختار صحبت کنم. وقف دعا بودن به این معنا خواهد بود که گاه بدون ساختار و چارچوب و گاه با ساختار و چارچوب دعا می‌کنید. اگر فقط و فقط بدون ساختار دعا کنید، چه بسا دعایتان سطحی و بی‌مایه شود و اگر فقط و فقط طبق ساختار و چارچوب دعا کنید، دعایتان ماشینی و توخالی می‌گردد. هر دو شیوه مهم هستند. هر دو نه فقط یکی.

منظورم از بدون ساختار دعا کردن این است که پیوسته احساس می‌کنید می‌خواهید روح و جان خود را در حضور خدا خالی نمایید و همین را هم به‌جا می‌آورید. شما به هیچ نوشته یا دستورالعمل یا فهرست یا کتابی نیاز ندارید. احتیاجات شما آنقدر زیادند که بدون هیچ ساختاری از پیش تعیین شده، آزادانه، فوران می‌کنند. این خوب است. اگر چنین نباشد، باید به اصالت رابطه‌مان با مسیح شک کنیم. آیا واقعاً می‌توانید پیوند ازدواج یا رابطه دوستی را تصور کنید که فقط از روی فهرست یا کتاب با هم ارتباط برقرار نمایند و یا فقط با متنهایی که به ذهن سپرده‌اند با هم صحبت کنند؟ چنین رابطه‌ای بی‌نهایت مصنوعی خواهد بود.

از سوی دیگر، از شما تمنا می‌کنم فکر نکنید آنقدر از نظر روحانی عمیق، آنقدر مبتکر، آنقدر غنی، یا آنقدر با نظم و ترتیب هستید که می‌توانید بدون هیچ‌گونه ساختاری دعا کنید. من چهار گونه ساختار در نظر دارم که امیدوارم بتوانید از آنها بهره ببرید.

ساختار شماره یک: کتاب مقدس. بر مبنای کتاب مقدس دعا کنید. کتاب مقدسی دعا کنید. برای نمونه، دعایمان را بر دعای رساله افسسیان ۱۴:۳-۱۹ بنا می‌کنیم.

از این سبب، زانو می‌زنم نزد آن پدر که از او هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین مُسمّا می‌شود، که به حسب دولت جلال خود به شما عطا کند که در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زورآور شوید تا مسیح به وساطت ایمان در دل‌های شما ساکن شود و در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده، استطاعت یابید که با تمامی مقدسان ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست و عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است، تا پر شوید تا تمامی پُری خدا.

این آیات را حفظ نمایید و اغلب بر طبق آنها دعا کنید. طبق دعای ربّانی دعا کنید و هر عبارت را به زبان خود بیان نمایید و آنها را به کسانی ربط دهید که برایشان باری بر دل دارید. بر اساس فرامین کتاب مقدس دعا کنید: «ای خدا، به من، به همسر، به فرزندانم، به رهبران کلیسا، به مبشران ما کمک کن تا تو را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی قوتمان دوست بداریم.» بر اساس وعده‌های کتاب مقدس دعا کنید: «ای خداوند، همه اقتداری را که در آسمان و بر زمین از آن تو است به کار بگیر تا مبشرانمان شیرینی آن وعده را که فرمودی تا انقضای عالم با آنها خواهی بود بچشند و احساس کنند.» بر اساس هشدارهای کتاب مقدس دعا کنید: «ای خداوند، مرا عطا فرما تا با شهوت بجنگم. مرا عطا فرما تا با نظر به ضرورت تعلیمت با شهوت بجنگم، چنان که فرمودی چشم‌ت را درآوری و به بهشت بروی بهتر از آن است که چشم داشته باشی و به جهنم بروی.» کتاب مقدس را جلوی خود بگذارید، آن را باز کنید و بر اساس هر بند که می‌خوانید دعا کنید: دعای توبه یا حمد و ستایش یا شکرگزاری یا بیان تقاضاها.

ساختار شماره دو: فهرست. بر اساس فهرست دعا کنید. من فهرستی از افراد و فهرستی از نیازهایی که باید برایشان دعا کنم در ذهن دارم. اگر بتوانید همه افراد و همه نیازهایی را که باید برایشان دعا کنید، بدون هیچ فهرستی، به یاد آورید، پس شما خدا هستید. من باید فهرستی داشته باشم، برخی را در ذهنم و برخی را بر روی کاغذ. من نام هفتاد نفر را به خاطر سپرده‌ام که هر روز برایشان دعا کنم. اما این فهرست شامل افرادی نیست که به خدمات بشارتی مشغولند و من و نوئل هر شب از روی فهرستی مکتوب برایشان دعا می‌کنیم. همچنین

این فهرست نام مبشرانمان را شامل نمی‌شود، برای آنها فهرستی دیگر دارم. ضمن اینکه این فقط فهرستِ دعا برای اشخاص است نه برای نیازهایی که در روح و جان من و در خانواده و در کلیسا و در جهان، هفته به هفته، در حال تغییرند. پس شما را تشویق می‌کنم فهرستی از اشخاص و فهرستی از نیازها تهیه کنید. دفترچه یا پرونده‌ای از فهرست دعاها را در رایانه‌تان داشته باشید. یادتان باشد که اکنون فقط دربارهٔ دعای با ساختار صحبت می‌کنم، حال آنکه، ارزش دعای بدون ساختار را نیز از یاد نبرید. هر دو نه فقط یکی.

ساختار شماره سه: کتابهای مسیحی. وقتی کتاب می‌خوانید، بر اساس آنچه خوانده‌اید هر روز دعا کنید، مانند گروه‌هایی که خدمتشان این است که روزانه برای کشورهای مختلف و آرمان مسیح در آنها دعا می‌کنند. این چه شیوهٔ عالی و شگفت‌انگیزی است که دلان را به وسعتی می‌رساند تا برای جهان بتپد و برای برترین بودن خدا رویا داشته باشد! کتابی را انتخاب کنید و بر اساس آنچه می‌خوانید، روزانه دعا کنید. یا یکی از کتابهای من به نام «امتها شادی کنند» را بردارید، به صفحات ۵۷-۶۲ مراجعه کنید و بر اساس آن سی و شش موردی که کلیسای اولیه برای یکدیگر دعا می‌کردند شما نیز دعا کنید و یا کتاب «وادی رویا» را بخوانید، که کتابی است حاوی دعا‌های مسیحیان معروف به «خالصان». آن را بخوانید و در مورد همان اموری دعا کنید که مقدسان پیشین دعا می‌کردند. این بسی حماقت است که فکر کنیم بدون یاری گرفتن از کتابهای خوب، به تنهایی، قادر خواهیم بود به همهٔ آنچه کتاب مقدس می‌فرماید و به همهٔ نیازهایی که باید برایشان دعا کنیم پی ببریم.

ساختار شماره چهار: قاعده. قاعده‌ای را برای خود در نظر بگیرید تا راهنمایی باشد که وقتی زانو می‌زنید و دعا می‌کنید بدانید که باید به ترتیب چگونه دعا کنید. یک قاعده، همان‌طور که پیش از این اشاره کردم، این است که بر اساس تقاضاهای مطرح‌شده در دعای ربّانی دعا کنید. قاعده‌ای که من تقریباً هر روز از آن استفاده می‌کنم «دایره‌های هم‌مرکز» نام دارد، بدین معنا که ابتدا از روح و جان خود شروع می‌کنم، چرا که بار گناه و نیازهایم را به وضوح احساس می‌نمایم، سپس برای خانواده‌ام دعا می‌کنم، بعد برای گروه شبانان و رهبران کلیسا، سپس برای همهٔ کارکنان کلیسا و بعد برای خدمات بشارتی‌مان، سپس برای احتیاجات عمومی در بدن مسیح و آرمان مسیح در خدمت بشارت و در فرهنگ دعا می‌کنم. اگر چنین قاعده‌ای را پیش بگیرم، گویی در جای خود یخ می‌زنم و هیچ حرکتی نمی‌کنم.

پس نخستین شیوهٔ دعا را «با ساختار و بدون ساختار» می‌نامیم. دعای بدون ساختار بدین معنا است که در جریان سیال ذهن نیازها را بیان کنیم و شکرگزاری نماییم و خدا را بستاییم. اما دعای با ساختار دعایی است که در آن از کتاب مقدس، فهرستها، کتابهای روحانی، و قاعده‌ها کمک می‌گیریم. اگر «وقف دعا هستیید» هم با ساختار دعا می‌کنید هم بدون ساختار.

۲. در خلوت و در جمع

وقف دعا بودن به این معنا خواهد بود که پیوسته هم به تنهایی دعا می‌کنید هم در جمع سایر مسیحیان.

آه چقدر مهم است که به واسطهٔ عیسی مسیح در خلوتِ خود به حضور خدا برویم. اگر به واسطهٔ عیسی با خدا مشارکت نداشته باشیم و شخصاً به او اعتماد نکنیم، مسیحیت معنایی ندارد و چیزی جز پوسته‌ای توخالی و خودنمایی و ادعا نیست. سوزانا و سلی، که دارای شانزده فرزند بود، عادت داشت وقتی در آشپزخانه بود پیش‌بندش را روی سرش بکشد. در این حالت، همهٔ بچه‌ها می‌دانستند این به معنای سکوت در آشپزخانه بود. بچه‌ها باید بدانند که مامان و بابا زمانهای خاصی را به عیسی اختصاص می‌دهند که بچه‌ها نباید در آن زمانها مزاحم آنها شوند. جایی را پیدا کنید، زمانی را مشخص کنید و به بچه‌ها نظم و ترتیب بیاموزید.

ولی تصور می‌کنم دعا کردن در جمع ایمانداران بیشتر از دعا در خلوت نادیده گرفته می‌شود. هم در خلوت دعا کنید هم در جمع. عهدجدید سرشار از دعا‌های دسته‌جمعی است. در واقع، بیشتر دعاها در عهدجدید دعا‌های دسته‌جمعی به حساب می‌آیند. اعمال رسولان ۱:۱۴: «و جمیع اینها با زنان و مریم، مادر عیسی، و برادران او، یکدل، در عبادت و دعا مواظب می‌بودند.» این شیوهٔ معمول دعا در

عهدجدید بود. در اعمال رسولان ۱۲:۱۲ نیز هنگامی که پطرس از زندان بیرون آمد «به خانهٔ مریم، مادر یوحنا ملقب به مرقس، آمد و در آنجا بسیاری جمع شده، دعا می‌کردند.» جلسات دعا امری عادی و معمول بودند و به گمانم در کلیسای اولیه به یک معیار تبدیل شده بودند.

شکی در این نیست که وقف دعا بودن در عهدجدید دعا کردن با قوم خدا را نیز شامل می‌بود. شما در این زمینه چطور عمل می‌کنید؟ دعا نمودن در جمع به معنی پیشرفته بودن در مسیحیت نیست. دعا نمودن در جمع مبانی مسیحیت است. هم با ساختار دعا کنید هم بدون ساختار. هم در خلوت دعا کنید هم در جمع.

۳. مایوس و مسرور

وقف دعا بودن به این معنا خواهد بود که گاه مایوس و ناامید و گاه مسرور و دلشاد به حضور خدا می‌آیید. منظوم این است که هم با عمیق‌ترین حزن و اندوه و ترسهایتان در دعا به حضور خدا می‌آیید و هم با شادی عظیم و شکرگزاری. آن بالشی که وقتی روزانه در حضور پدر زانو می‌زنید به زیر آرنجتان قرار می‌دهید از قطرات اشک خیس خواهد بود! اما، از آنجا که خدا خدایی است که دعا می‌شنود، شما نیز به همراه پولس رسول خواهید گفت: «محزون ولی دایماً شادمان» (دوم قرنتیان ۱۰:۶) و آن شادی، اغلب، بارهای این دنیای سقوط کرده را در هم می‌شکند، چنان که باید در هم شکند، و باعث می‌شود از شدت شادی جست و خیز نمایید. پدر می‌خواهد در این زمانها نیز به حضورش بروید. در یأس و در شادی، وقف دعا باشید. در روزه و در جشن و سرور، وقف دعا باشید. نه فقط در یکی از این دو موقعیت بلکه در هر دو موقعیت وقف دعا باشید.

۴. کوتاه و بلند

اگر وقف دعا هستید، پیوسته از حمد و پرستش و شکرگزاری و بیان احتیاجات، لبریز می‌گردید و دعا می‌کنید، حال آنکه، شاید دعایتان بیش از چند لحظه طول نکشد. اگر وقف دعا هستید، گاه زمانی طولانی در حضور خداوند می‌مانید. من گاه در تماس تلفنی‌ام با نوئل خیلی کوتاه صحبت می‌کنم و گاه کل غروب را کنار هم سپری می‌کنیم. اگر مسیح را دوست دارید و برای همه چیز به او متکی هستید و او را بالاتر از هر چیز دیگر عزیز می‌دارید، گاه مدت زمانی کوتاه را در حضورش سپری می‌کنید و گاه مدت زمانی طولانی‌تر در حضورش می‌مانید.

۵. خودجوش و از روی برنامه

میان دعای «با ساختار و بدون ساختار» یا دعای «کوتاه و بلند» و دعای «خودجوش و از روی برنامه» چه تفاوتی وجود دارد؟ در دعای «با ساختار و بدون ساختار» محتوای دعا مد نظر است، بدین معنا که به هنگام دعا چه گوئیم. در دعای «کوتاه و بلند» مدت زمان دعا مورد نظر است. اما منظوم از دعای «خودجوش و از روی برنامه» این است که چه وقت را برای دعا اختصاص می‌دهیم؟

اگر وقف دعا هستیم، در طی روز، به طور خودجوش دعا خواهیم کرد، یعنی چنان که پولس می‌گوید همیشه دعا می‌کنیم. یعنی از روحیه‌ای برخوردارید که پیوسته می‌خواهید در مشارکت با مسیح باشید، در روح القدس سلوک نمایید و واقف باشید که او پیوسته و شخصاً در زندگی‌تان حضور دارد. وقتی با مسیح سخن می‌گویید، نیاز به برنامه‌ریزی قبلی ندارید و در طی روز، بارها و بارها، با او سخن خواهید گفت. این طبیعی است و پسندیده. این وقف دعا بودن است.

ولی اگر فقط به این شکل دعا کنید دیری نمی‌پاید که از آن دست بکشید. میوهٔ پربار و واقعی دعای خودجوش در باغی رشد می‌کند که با نظم و ترتیب و برنامه‌ریزی، به خوبی، از آن مراقبت شده باشد. از این‌رو، از شما تمنا می‌کنم زمان مشخصی را برای دعا در نظر بگیرید. به طور معمول، چه زمانی به حضور او می‌روید؟ چه مدت زمانی را کنار می‌گذارید؟ شما را تشویق می‌کنم هر روزتان را به این شکل آغاز کنید. آیا مایلید یک یا دو روز یا یک یا دو نیمروز را به تنهایی سپری کنید یا آن وقت را به یک دوست یا به همسرتان اختصاص دهید – البته نه

برای کتاب خواندن بلکه برای چهار یا هشت ساعت دعا نمودن؟ چگونه چنین کنید؟ کتاب مقدس را بخوانید و بر اساس آنچه می‌خوانید دعا کنید. من و نوئل روزهای عالی و پرباری را به این شکل گذرانده‌ایم. کتابی مختصر را از کتاب مقدس انتخاب می‌کردیم، یک فصل از آن را می‌خواندیم، سپس بر طبق آنچه خوانده بودیم برای خانواده و کلیسا دعا می‌کردیم. سپس فصلی دیگر را می‌خواندیم و دعا می‌کردیم و به همین شکل ادامه می‌دادیم. اما این‌گونه خواندن و دعا کردن به طور خودجوش اتفاق نمی‌افتد، بلکه باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. این‌گونه دعا کردن دعای خودجوش نیست. این‌گونه دعا کردن دعای با ساختار است و این‌گونه دعا کردن باشکوه است.

پس اکنون می‌دانید که می‌خواستم درباره‌ی چه چیزی با شما صحبت کنم. کلام خدا امروز برای ما این است: «در دعا مواظب باشید.» در دعا ثابت‌قدم باشید. در دعا امین باشید. چرا؟ زیرا خدا این را به ما حکم می‌کند. نیازها عظیمند و ابدیت در میان است. خدا دعا را می‌شنود و کاری را که شاید ما در پنج سال انجام دهیم او در پنج ثانیه به انجام می‌رساند.

و چگونه وقف دعا باشیم؟ با رعایت همه‌ی این اصول، چرا که بدون این اصول دعایی وجود نخواهد داشت. بگذارید دعایتان چنین باشد:

با ساختار و بدون ساختار

در خلوت و در جمع

مأیوس و مسرور

کوتاه و بلند

خودجوش و از روی برنامه

باشد که خداوند در این هفته و در تمام طول سال شما را روح فیض و روح تمنا عطا فرماید.

جان پای‌پر

www.MahfeleEnjil.com